

سیر تحولات و مبانی کیفرزدایی از دیدگاه فقه و حقوق جزایی ایران

نجم الدین آفتابی آرائی^۱^۱ کارشناسی ارشد جزا و جرم‌شناسی

چکیده

کیفرزدایی، به عنوان یکی از راهبردهای عقب نشینی نظام کیفری در اقسام کیفرزدایی قانونی، قضایی و اجرایی مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته است. در حقیقت، کیفرزدایی جنبش نوینی است که به دنبال تعدیل و متناسب کردن خاصیت کیفری مجازات و یا سلب وصف جزایی از یک رفتار مجرمانه و جایگزین کردن اقدامات غیرکیفری در جهت اصلاح و تربیت مجرم است. این سیاست مبتنی بر اندیشه ناتوانی عقوبت در اصلاح و تربیت مجرم و پیشگیری از جنایت است. همان‌طور که در سیاست جنایی اسلام، برای مرتکب جرم و گناه مجازاتی پیش بینی شده است، ولی در مواردی با توجه به قاعده «العقوبات لا تسقط الا بسبب شرعی» به دنبال راه‌گزینی جهت عدم اعمال مجازات می‌باشد. به طور کلی واکنش کیفری علیه جرایم شامل مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی است و قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز مصادیق فراوانی از سیاست کیفرزدایی را نظیر؛ جایگزین‌های حبس، نظام آزادی مشروط و نیمه آزادی، تعویق و تعلیق صدور حکم و... پیش بینی کرده است.

واژه‌های کلیدی: کیفر، مبانی کیفرزدایی و تحولات آن، مجازات، فقه و حقوق جزای ایران.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه:

امروزه تورم جمعیت کیفری، یکی از چالش‌های اساسی در نظام عدالت کیفری است. به عبارت دیگر، یکی از چالش‌های اساسی در بحث قوانین، این است که توسل بیش از حد به ضمانت اجرای کیفری، باعث محدود شدن آزادی‌های افراد، تحمیل هزینه زیاد به دولت و خلل در عملکرد دستگاه قضا شده است. لذا، قانون‌گذاران به عنوان یک راه حل، غالباً راهبرد عقب‌نشینی نظام کیفری را در قالب سیاست‌هایی نظیر؛ جرم‌زدایی، کیفرزدایی و قضازدایی پذیرفته‌اند. در این میان کیفرزدایی به دلیل اینکه محدودیت کمتری نسبت به سایر سیاست‌ها دارد بیشتر مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته است. در حقیقت، کیفرزدایی، راهکار است در جهت کاستن جرایمی که امکان حذف وصف مجرمانه آنها وجود ندارد.

در ایران نیز، قانون‌گذار در راستای کاهش تورم جمعیت کیفری، در قانون مجازات اسلامی جدید نهادهایی مانند: جایگزین‌های حبس، نظام آزادی مشروط و نیمه آزادی، تعویق و تعلیق صدور حکم را به رسمیت شناخته است. نهادهای مذکور می‌توانند در حقوق ایران نقش عمده‌ای در کاهش جمعیت تورم کیفری داشته باشند. به شرطی که به موازات به کارگیری از نهادهای مذکور، سایر نهادهای حقوق کیفری نیز مانند عفو، تعلیق، تخفیف و ... مورد توجه قرار گیرد. در نهایت، محکوم علیه باید به خوبی در خصوص موجبات و شرایط استفاده از نهادهای کیفری مذکور توجیه شده و قاضی باید با قاطعیت به وی تفهیم نماید که فلسفه استفاده از این امتیازات، دادن فرصت جهت اصلاح وی می‌باشد (بابایی، ۱۳۹۱: ص ۷۵).

در این مقاله، ابتدا به فلسفه کیفرزدایی و مفهوم کیفرزدایی و انواع آن، و سپس به مبانی کیفرزدایی و جلوه‌های کیفرزدایی در قانون مجازات اسلامی می‌پردازیم.

فلسفه کیفرزدایی

یکی از مهمترین نهادهای حقوقی هر جامعه، نظام جزایی آن است که قوانین و مقررات کیفری را در خود دارد. هر جامعه‌ای از بدو پیدایش، برای افراد خود حقوق و امتیازاتی پیش‌بینی نموده، همگان را ملزم به رعایت آنها می‌داند. حق حیات، حق آزادی، حق برخورداری از آسایش و امنیت، حق مالکیت و ... از جمله این حقوق و امتیازات است که هیچکس حق ندارد به آنها آسیبی وارد کند. ولی چنین نیست که همگان همواره حقوق دیگران را محترم شمارند و متعرض حقوق و امتیازات دیگران نشوند. حال اگر کسانی به حقوق خویش قناعت نکنند و با تجاوز به حقوق دیگران نظم و تعادل برقرار شده را مختل سازند، ناگزیر جامعه باید از خود عکس‌العمل نشان داده، چنین متجاوزانی را کیفر دهد. بنابراین مجازات یکی از عوامل حفظ نظم و حقوق افراد است. از این روست که از بدو پیدایش جوامع، نظام کیفری یکی از پایه‌های اساسی هر جامعه‌ای بوده است. شاید بتوان گفت قوانین جزایی از قدیمی‌ترین مقرراتی است که در جوامع بشری به وجود آمده و در حقیقت، خود مجازات نیز یکی از قدیمی‌ترین نهادهای بشری است. چه آن که در جامعه متشکل از انسان‌ها، به علت تعارض منافع، وقوع جرم امر مسلمی بوده است و چون وقوع جرم وجدان آدمیان را جریحه‌دار می‌کند، جامعه در برابر جرم واکنش نشان داده، مجرمان را مجازات می‌نماید (قربان‌نیا، ۱۳۷۷: ص ۴۴۵).

به عبارت دیگر نقض قاعده اجتماعی موجب ورود خسارت به جامعه می‌شود. جامعه در قبال خسارتی که متحمل شده است، با تحمیل رنج و خسارت دیگری به مقصر از یک سو، و ترمیم خسارت وارده به زیان‌دیده از سوی دیگر، برقراری نوعی تعادل در جامعه را دنبال می‌کند. پس کیفر در اساس ابزاری است برای جامعه در دفاع از خود و واکنش در برابر جرم. تا پیش از جنبش دفاع اجتماعی نوین، «حقوق کیفری تنها با استراتژی پیشروی یعنی از طریق سازوکار جرم‌انگاری یا خلق جرایم جدید در قانون جزا پدیده مجرمانه را به نبرد می‌طلبید.» (رایجیان اصلی، ۱۳۸۱: ص ۹۴) این امر توالی فاسد بی‌شمار داشت که از آن جمله می‌توان به تورم کیفری و آثار سوء مجازات اشاره نمود. یکی از مهم‌ترین‌ها و شاید بتوان گفت مهم‌ترین پیامد جرم‌انگاری غیراصولی تورم کیفری می‌باشد. منظور از تورم کیفری، تصویب بدون ضرورت مقررات کیفری و قطور نمودن بی‌رویه مجموعه قوانین جزایی با جرم‌انگاری‌های جدید است (حبیب زاده و دیگران، ۱۳۸۰: ص ۶۰).

بنابراین، در عصر حاضر یکی از مسائل مهم مرتبط با جمعیت زندان، سیاست‌های مربوط به جرم‌زدایی، قضازدایی، کیفرزدایی و جرم‌انگاری کشورهاست؛ به این معنی که نتیجه تورم قوانین جزایی، تورم جمعیت کیفری زندان‌هاست؛ پس هرچه از حجم و اندازه قوانین جزایی کاسته شود کاهش تراکم جمعیت زندان‌ها و نتایج سوء آن نیز کمتر خواهد شد و بر عکس در نتیجه جرم‌انگاری‌های بی‌مورد، با افزایش تعداد زندانی مواجه خواهیم بود. توجه به پیامدهای تورم کیفری در کنار آثار سوء مجازات و به طور خاص حبس ضرورت کیفرزدایی را کاملاً توجیه می‌نماید. نظام حقوقی نیازمند ابزارهای کیفرزدایی است تا در موارد خاص، علاوه بر حفظ وصف مجرمانه عمل، کیفر بر ذمه فرد استقرار نیابد و یا در صورت استقرار به اجرا در نیاید تا از این آثار سوء جلوگیری شود.

مفهوم کیفرزدایی و اقسام آن

کیفر در لغت به معنای جزا، پاداش (عمید، ۱۳۷۹، ص ۸۶۱)، سزا، عقوبت و مجازات می‌باشد. به لحاظ اصطلاحی نیز مجازاتی است، در خصوص کسی که خلاف قانون یا اخلاق یا عرف و عادت رفتار کرده و مرتکب عمل بد شده و در مقابل آن رفتار مجازات داده می‌شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۲، ص ۵۷۹).

برخی در تعریف کیفرزدایی مقرر کرده‌اند: «کیفرزدایی، عبارت است از جرم‌زدایی ناقص، در این حالت یک نوع مداخله و تدبیر اجتماعی، جایگزین کیفر می‌گردد ولی عنوان مجرمانه برای فعل یا ترک فعل حفظ می‌شود.» (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۷۷، ص ۷۷).

با توجه به مرجع کیفرزدایی، می‌توان کیفرزدایی را به کیفرزدایی قانونی، قضایی و اجرایی تقسیم کرد (داودی گرمارودی، ۱۳۷۴؛ ص ۱۷۰-۱۶۵). منظور از **کیفرزدایی قانونی** این است که خود قانون تعدیل کیفر را پیش‌بینی می‌کند. این نوع کیفرزدایی تا حدودی همانند عوامل مخففه‌ی قانونی می‌باشد که مقام قضایی بایستی اقدام به کیفرزدایی بکند؛ به عبارتی همانطور که در ماده ۵۰۷ قانون تعزیرات «عذر همکاری» به عنوان یکی از معاذیر قانونی لحاظ شده که مقام قضایی بایستی نسبت به این عذر اعمال تخفیف بکند (صفری، و زهروی، ۱۳۹۱؛ ص ۵۵-۵۴). به بیان دیگر در کیفرزدایی قانونی، مستقیماً خود قانون‌گذار در جهت تعدیل کیفر وارد عمل می‌شود و با به کارگیری تدابیری نظیر آزادی مشروط، نهاد تخفیف، تبدیل، معافیت از مجازات و ... سعی می‌کند شدت ضمانت اجراها را کم کند اما اگر اختیار تعدیل کیفر از سوی قانون به قضات سپرده شود کیفرزدایی قضایی است.

منظور از کیفرزدایی قضایی نیز این است که قانون در قالب ماده، کیفرزدایی را بیان نکرده بلکه اختیار آن را به نهاد قضایی داده است. مثلاً عوامل مخفهی قضایی مقرر در ماده ۳۸ ق.م.ا را می‌توان از موارد کیفرزدایی قضایی دانست. قرار تعلیق تعقیب که در ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ با اصلاحات ۱۳۹۴ در ماده ۸۱ پیش بینی شده است که این قرار در دادسرا قابل اعمال است در حالی که اصولاً سایر موارد از دادگاه صادر می‌شود. قاعده درآ نیز می‌تواند یکی از موارد کیفرزدایی قانونی باشد چرا که کیفرزدایی قاعده درآ این است که محکومیت فرد سلب نمی‌شود بلکه کیفر آن زدوده یا به طور کلی به کیفر دیگر تبدیل می‌شود. بنابراین قاعده درآ در جرایم موجب حد به استناد ماده ۱۲۱ ق.م.ا هر دو اثر کیفرزدایی یا محکومیت‌زدایی را می‌تواند داشته باشد و در جرایم تعزیری و جنایات موجب قصاص و دیات با توجه به شرایط مسئولیت و شرایط جرم، اثر کیفرزدایی می‌تواند داشته باشد (امیران بخشایش، ۱۳۹۵، ص ۴).

منظور از کیفرزدایی اجرایی این است که کیفرزدایی اجرایی یکی از سیاست‌های کیفرزدایی است که در جنبش کنارگذارن کیفر مورد توجه قرار گرفته است. اما کیفرزدایی اجرایی باید با سازوکارهایی که قانونگذار در نظر می‌گیرد رخ دهد. به عنوان مثال «تعلیق تعقیب» که در ماده ۴۰ مکرر قانون آیین دادرسی کیفری ۱۲۹۰ ایران در نظر گرفته شد، به عنوان یکی از دست مایه‌های کیفرزدایی اجرایی می‌باشد (قلعه قوند، ۱۳۹۵: ص ۱۶).

کیفرزدایی از دیدگاه فقه اسلامی

در فقه و حقوق اسلامی که احکام آن غالباً برگرفته از کتاب آسمانی قرآن و سنت نبی مکرم اسلام است، مواردی را می‌توان یافت که نوعی کیفرزدایی محسوب می‌شود. با اینکه در سیاست جنایی اسلام، برای مرتکب جرم و گناه مجازاتی پیش بینی شده است (منتظری نجف آبادی، ۱۴۲۹، ص ۱۴۳) ولی در مواردی، به دنبال راه‌گزینی جهت عدم اعمال مجازات می‌باشد. همچنین در کتاب‌های فقهی قاعده‌ای به نام «العقوبات لا تسقط الا بسبب شرعی» (عمید زنجانی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۲۳۵) مطرح شده که همان بحث کیفرزدایی می‌باشد. مثلاً کیفر قصاص از طریق عفو، صلح، رجوع از شهادت یا اقرار ساقط می‌شود یا دیه از طریق عفو، صلح، اعسار و ... ساقط می‌گردد. یکی از اسباب شرعی ساقط کننده کیفر قاعده درآ است. بنابراین در کتاب مستدرک الوسائل از پیامبر^(ص) نقل شده که: «در موارد شبهه از اجرای حدود خودداری کنید و از لغزش‌های افراد محترم در گذرید» (محدث نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۸، ص ۲۶) پس مشخص می‌شود که کیفرزدایی در معنای گذشت در حقوق الناس نیز قابل مطرح است چون با گذشت است که مثلاً در جرائم عمدی نفس که منجر به قتل شده باشد، قصاص برداشته می‌شود و به عبارتی کیفر قصاص زدوده می‌شود. به استناد ماده ۱۰۰ ق.م.ا در جرایم قابل گذشت در صورت گذشت شاکی کیفر زدوده می‌شود.

همچنین، در سیاست کیفری دین مبین اسلام قاعده‌ای به نام «التعزیر علی حسب ما یراه الامام» (محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۱۵۵ / خوئی، ۱۹۷۶، ج ۴۱، ص ۴۰۷) مطرح شده است که طبق یک نظر دلالت بر سیاست‌زدایی دارد. اگر منظور از این قاعده این باشد که تعیین مقدار تعزیر با توجه به شدت و ضعف مفاسد و یا هرگونه مصلحت اندیشی صورت بگیرد (مکارم شیرازی، ۱۴۲۵، ص ۱۰۸) چنین سیاستی می‌تواند رنگ و بوی کیفرزدایی داشته باشد به این نحو که مصلحت‌اندیشی حاکم یا مقام قضایی در تعیین کیفر چنین ایجاب کند که کیفر متناسب با وضعیت مرتکب اعمال شود و این سیاست دلالت بر سیاست

کیفرزدایی دارد. علاوه بر این موارد در آیات ۳۳ و ۳۴ سوره مائده، آیه ۵ سوره توبه، آیه ۴۰ سوره شوری و آیه ۱۷۸ سوره بقره، به سیاست کیفرزدایی اشاره شده است.

مبانی کیفرزدایی

مبانی جمع مبناست که در اصطلاح فلسفه حقوق، به معنای علت و منشأ مشروعیت حقوق، کیفرها و قواعد آنها به کار می‌رود. قواعد حقوقی و کیفری، مشروعیت و الزام‌آور بودن خود را از یک سلسله مبانی اخذ می‌کند. مبانی حقوق از نظر آنان، همان ریشه‌ها و پایه‌های پنهان حقوق و کیفر تلقی می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۵۹، ص ۲۱).

۱- اصل فردی کردن واکنش اجتماعی

اصل فردی کردن مجازات‌ها عبارت است از اعمال و اجرای مجازاتی متناسب با شخصیت و ویژگی‌های جسمانی، روانی و اجتماعی فرد مرتکب که به اعتبار ماهیت جرم ارتكابی یا خصوصیات مجنی‌علیه، از طرف مقنن پیش بینی شده و از سوی قوه قضائیه و مجریه به منصفه ظهور رسیده است و ممکن است حسب مورد، منجر به تشدید، تخفیف یا تعلیق مجازات گردد (کاظمی، ۱۳۹۱، ص ۴). البته باید مجازات‌ها منطبق با شخصیت، موقعیت اجتماعی و حالات روانی مجرم اعمال شود و تا حد امکان وی را به عواقب اعمال خود آگاه سازد. مهمترین فایده آن، همان ممانعت از تکرار جرم و دوباره آلوده شدن مرتکب است لذا، در سیاست جنایی امروزی اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها روند انعطافی خاصی در جهت کیفرزدایی و فردی کردن مجازات‌ها به منظور حمایت از کرامت انسانی شخصیت بزهکار و بازسازی اجتماعی او در پیش دارد (شاگری گلپایگانی، بی تا، ص ۱۲).

۲- بازدارندگی از ارتکاب مجدد جرم

مراد از بازدارندگی، اتخاذ تدابیری است که از جرم انصراف ایجاد کند. از این دیدگاه، دو نوع بازدارندگی در حقوق جزا مطرح می‌شود: بازدارندگی عام و خاص که در جرم شناسی به آن پیشگیری کیفری عام و خاص می‌گویند. پیشگیری عبارت است از به جلوی تبهکاری و ناهنجاری رفتن به منظور ممانعت از وقوع جرم (گسن، ۱۳۷۰، ص ۶۷). پیشگیری کیفری عام، بر جنبه ارعاب‌آور مجازات‌ها تکیه می‌کند که ناظر به کل شهروندان است و مخاطب آن همه اعضای جامعه است (بکاریا، ۱۳۸۰، ص ۶۷). پیشگیری کیفری خاص، مخاطبش بزهکار است و هدف از آن، پیشگیری از تکرار جرم و بزهکاری مکرر است و اصلاح مجرم را مدنظر دارد. در بازدارندگی خاص، معیار، کاهش تکرار جرم است و معیار در بازدارندگی عام، کاهش بزهکاری اولیه است، البته هنگام سخن از پیشگیری، مقصودمان بهره‌گیری از مفهوم موسّع آن است؛ یعنی طیف وسیعی از تدابیر کیفری و غیر کیفری که در جهت خنثی کردن عوامل ارتکاب جرم و کاهش بزهکاری صورت می‌گیرد. پیشگیری غیر کیفری عبارت است از: اقدام مناسب غیر کیفری که قبل از وقوع پدیده مجرمانه از طریق کاهش یا حذف و خنثی سازی علل جرم‌زا و نامناسب نشان دادن موقعیت‌های ارتکاب، درصدد جلوگیری از رخ دادن بزه است.

اما پیشگیری کیفری (واکنشی یا پسینی) ناظر به اقدامات کیفری قبل و بعد از وقوع جرم است که با بهره گیری از سازوکارهای نظام عدالت کیفری درصدد کاهش بزهکاری است (عباسی کلیمانی، ۱۳۹۸: ص ۱۷۴)

۳- اصلاح و درمان مرتکب در راستای بازپروری وی

اصلاح به معنای بهسازی مجرم، جلوگیری از کج‌روی و فروافتادن دوباره وی در گرداب تبهکاری است (پردل، ۱۳۸۱، ص ۶۰). دستیابی به هدف حقیقی کیفر، یعنی دفاع از جامعه جز از راه دفاع از افراد آن شدنی نیست. بدین‌سان، دفاع واقعی از جامعه، تنها در پرتو اصلاح مجرم، چاره‌اندیشی برای ورود دوباره آنان به گروه غیربزهکار و از میان بردن زمینه‌های رخداد بزهکاری، دست‌یافتنی است (صانعی، ۱۳۸۲، ص ۷۶). برخی بازپروری را عمل تربیت و اصلاح بزهکاران و آماده کردن آنها برای بازگشت به جامعه تعریف کرده‌اند (انوری، ۱۳۸۶، ص ۱۷۷۵)؛ اما هدف از بازپروری مجرم، بهبود اخلاقی او نیست و صرف بازگشت به زندگی عادی کافی است (ابراهیمی، ۱۳۹۱، ص ۱۵۴).

پس اصل فردی کردن واکنش اجتماعی، بازدارندگی از ارتکاب مجدد جرم و اصلاح و درمان مرتکب در راستای بازپروری وی مبانی کیفرزدایی را تشکیل می‌دهند. با بررسی جلوه‌های کیفرزدایی در قوانین موضوعه کیفری، می‌توان دریافت که هر یک از آنها کدام یک از مبانی فوق را تأمین می‌کنند (عباسی کلیمانی، ۱۳۹۸: ص ۱۷۵).

سیر تحولات جلوه‌های کیفرزدایی در قانون جزایی ایران

الف) مجازات‌های جایگزین حبس

مطالعه تاریخ حقوق کیفری بیانگر آن است که از زمان پیدایش اولین جوامع انسانی، همواره جرم و مجازات وجود داشته است و مجازات‌ها در هر دوره اهدافی را دنبال می‌کرده‌اند. با تکامل جوامع بشری، اهداف و سبک مجازات‌ها نیز دستخوش تغییر و تحول شده است. ابتدا مجازات‌ها بسیار خشن و ظالمانه بوده‌اند و با اهداف انتقام‌جویانه اجرا می‌شدند و از بارزترین ویژگی‌های این مجازات‌ها شدت آنها بوده است (بابایی، ۱۳۹۱: ص ۸۰-۵۹). با وقوع انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه، جنبش اصلاح سیستم زندان‌ها، توجه به شرایط زندانیان و رعایت حقوق آنها، شدت بیشتری گرفت و دامنه آن از اروپا فراتر رفت و به قاره آمریکا، به ویژه بخش شمالی آن، رسید (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۷: ص ۴۲).

در عصر حاضر نیز، با پیدایش نظریات جرم‌شناسی و نگاه علمی به جرم و بزهکار و با تأکید بر این که بزه‌کار بیمار است، اهداف انتقام‌جویانه و طرد بزه‌کار، جای خود را به اهداف اصلاح‌گرایانه داد. در این دوران، مجازات‌های سالب حیات و کیفرهای بدنی، مانند قطع عضو و شلاق از زرادخانه کیفری به طور چشمگیری حذف و جای خود را به مجازات سالب آزادی دادند. اکنون، ناکارآمدی مجازات حبس پدیدار گردیده و زندان که انتظار می‌رفت ابزاری برای مقابله با بزهکاری و محل اصلاح بزهکار باشد، تبدیل به مدرسه‌ای برای بازآموزی جرایم شده است (پارسا، ۱۳۹۷: ص ۸۴).

ماده ۶۳ قانون یاد شده، مجازات‌های جایگزین حبس را شامل، «دوره مراقبت»، «خدمات عمومی رایگان»، «جزای نقدی»، «جزای نقدی روزانه» و «محرومیت از حقوق اجتماعی» می‌داند که با ملاحظه نوع جرم و کیفیت ارتکاب آن، آثار ناشی از جرم، سن، مهارت، وضعیت، شخصیت و سابقه مجرم، وضعیت بزه‌دیده و سایر اوضاع و احوال در صورت گذشت شاکی و وجود جهات تخفیف تعیین و اجرا می‌شود.

به‌طور کلی، گونه‌های مختلفی از افراد در زندان‌های فعلی ایران نگهداری می‌شوند، شامل: (۱) متهمان، (۲) محکومان به حبس یا زندانیان واقعی، (۳) محکومان مالی، (۴) محکومانی که در انتظار اجرای محکومیت خود در حبس نگهداری می‌شوند. (۵) محکومانی

که از کیفر زندان به منزله جانشین جزای نقدی نسبت به آنان استفاده شده است (بابایی، ۱۳۹۱: ص ۸۰-۵۹). اینکه استفاده از مجازات‌های جانشین می‌تواند در کاهش حجم جمعیت زندانی مؤثر باشد غیرقابل انکار است، اما نباید تصور کرد که مجازات‌های جانشین، تنها راه حل مشکل جمعیت زندانی است؛ زیرا راهکارهای ارائه شده برای کاهش جمعیت زندان در قانون مجازات اسلامی جدید (مواد ۶۳ الی ۸۳) شامل همه زندانیان فوق‌الذکر نمی‌شود و فقط بخشی از جمعیت زندان‌ها یعنی همان محکومان واقعی به کیفر زندان را کاهش خواهد داد. توسل به مجازات‌های جایگزین حبس با توجه به جدید بودن آنها، قطعاً مشکلات اجرایی خواهد داشت و همانگونه که در برخی کشورها از جمله کشورهای اروپای غربی، جانشین مجازات زندان با موفقیت همراه بوده در کشورهای جهان سوم، به دلایل مختلف از جمله نبود منابع مالی، فساد اداری و ... با مشکلاتی همراه بوده است؛ بنابراین، تا آنجا که امکان پذیر است باید از توسل، اجرا و اعمال کیفرهای بی‌ثمر و ناپایده‌مند اجتناب نمود و به یک زندان‌زدایی واقعی و مستمر دست زد که این همان کیفرشناسی فایده‌گرا است (گودرزی بروجردی و مقدادی، ۱۳۸۴: ص ۳۵).

ب) تعویق صدور حکم

قاضی در طول جریان دادرسی، ممکن است از نهادهای مختلفی برای تخفیف مجازات و یا تعلیق آن استفاده کند. هدف او بازگشت بزه‌کار به جامعه و اصلاح نهایی اجتماع به وسیله دستگاه قضایی است. یکی از نهادهایی که در تمامی جوامع از قدیم الایام مورد نظر قانونگذاران بوده است، نهاد تعلیق مجازات است. این نهاد در جریان پیدایش مکتب تحقیقی و در نتیجه تغییر رویکرد از «جرم مداری» به «مجرم مداری» و به دنبال اهمیت یافتن پرونده شخصیت متهم، برای نخستین بار در سال ۱۸۸۱ وارد نظام حقوقی فرانسه گردید و می‌توان آن را از جمله دستاوردهای جرم‌شناسی تلقی کرد و دارای ویژگی‌هایی مانند جلوگیری از تاثیر سوء مصاحبت مجرم با زندانیان سابقه دار، کمک به مجرم برای اجتماعی شدن و بازگشت به زندگی عادی در جامعه، صرفه جویی در هزینه‌های زندان و استفاده جامعه از کار و فعالیت مجرمین است (ولیدی، ۱۳۷۹: ص ۸). در ایران نیز، نهاد تعلیق مجازات برای نخستین بار در سال ۱۳۰۴ وارد نظام حقوقی شد و می‌توان گفت در حقوق ایران نیز سابقه طولانی دارد؛ اما یکی از نوآوری لایحه قانون مجازات اسلامی جدید پیش بینی در ذیل فصل پنجم (مواد ۳۹ الی ۴۴) تحت عنوان «تعویق صدور حکم» است. «تعویق» در لغت به معنای معلق کردن، آویختن و آویزان کردن چیزی به چیز دیگر آمده است (عمید، ۱۳۷۹: ص ۴۰۴)؛ و در اصطلاح حقوقی، تعویق به معنای عقب انداختن صدور حکم است. در ماده ۳۹ قانون مذکور، قانونگذار این اختیار را به دادگاه داده است که در جرایم موجب تعزیر درجه ۶ تا ۸، پس از احراز مجرمیت متهم، با ملاحظه وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی و سوابق و اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم گردیده است، در صورت وجود شرایط زیر، صدور حکم را به مدت ۶ ماه تا ۲ سال به تعویق اندازد؛ (۱) وجود جهات تخفیف؛ (۲) پیش بینی اصلاح مرتکب؛ (۳) جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران؛ (۴) فقدان سابقه کیفری مؤثر. تبصره ماده مذکور نیز، محکومیت مؤثر را محکومیتی می‌داند که محکوم را به تبع اجرای حکم بر اساس ماده ۲۵ این قانون، از حقوق اجتماعی محروم می‌کند. لذا به موجب قانون مذکور، دادگاه در همه جرایم، اختیار و صلاحیت لازم برای تعویق صدور حکم را ندارد و فقط در جرایم تعزیری درجه ۶ تا ۸ می‌تواند پس از احراز مجرمیت، صدور حکم را در صورت وجود شرایط مذکور در ماده ۳۹ به مدت ۶ ماه تا ۲ سال به تعویق اندازد. این نهاد به صورت قرار صادر می‌شود و نه حکم و زمان صدور قرار نیز با توجه به ماده ۳۹ پس از احراز مجرمیت مرتکب است لذا صدور این قرار در دادرسی موضوعیت نخواهد داشت.

ج) تعلیق صدور حکم

سیاست کیفری قانون جدید مبتنی بر پیشگیری از سقوط متهمان و محکومان جزایی در ارتکاب جرم است. بنابراین کیفرزدایی و حبس زدایی، مورد توجه تشکیلات قضایی و تقنینی بوده و می‌باشد. لذا قانون‌گذار با ایجاد نهاد تعلیق اجرای مجازات، هدف تعلیق را بدون اجرا ماندن حکم مجازات دانسته و فرصتی را در جهت جبران مافات به بزهکار در چارچوب رعایت شرایط و اصولی اعطاء می‌نماید (میرزایی یزدی، ۱۳۹۹: ص ۲۶۷) و مراقبت‌های پس از صدور آن را به نحو مطلوب می‌بایستی مطابق قواعد به انجام رساند تا روحیه تبهکاری مجرم و جرات او نسبت به ارتکاب جرم محدود شده باشد. به عبارتی رسالت قانون‌گذار بیشتر در اهداف بلندمدت که عبارت از پیشگیری از وقوع جرم و توجه به فرآیند تربیت و رشد انسان است، متمرکز شده است. تا به هدف نهایی خود که همانا حفظ نظم و برقراری امنیت در جامعه و صیانت از حقوق افراد می‌باشد، نائل گردد. لذا تعلیق اجرای مجازات به عنوان راهکاری جهت جلوگیری از سلب آزادی، سلب خلاقیت، سلب امکان کار و کسب درآمد از متهمان و مجرمین اتفاقی و فاقد سوء سابقه وارد می‌شود و از ضربه مهلکی که به فرد در نتیجه انقطاع ارتکاب خانوادگی، اجتماعی و شغلی وارد می‌گردد، جلوگیری می‌کند (عبیدی، ۱۳۹۲: ص ۹۲). تعلیق مجازات عبارت از این است که اجرای تمام یا قسمتی از مجازات در مورد محکوم‌علیه با شرایط خاصی معلق شود. بر این اساس، دادگاه صادرکننده حکم اجرای مجازات مذکور در دادنامه را با توجه به شرایطی و برای مدتی معین و به منظور اصلاح و تربیت مجرم به تأخیر می‌اندازد. امروزه، تعلیق اجرای مجازات، به عنوان یکی از مجازات‌های جایگزین یا مجازات‌های بینابینی، مطرح است. برای اجرای تعلیق مراقبتی، بسیاری از کشورها با ایجاد نهادهای اجتماعی مناسب، قدم‌های مؤثری را در راه اصلاح بزهکاران غیرخطرناک برداشته‌اند. در کشور ما نیز از اوایل قرن حاضر ایده تعلیق مجازات در قوانین جزایی نمود پیدا کرد. لیکن متأسفانه علی‌رغم گذشت هشت دهه از تاریخ تصویب آن، هیچ نهاد متناسبی برای ساماندهی و نظارت بر امر تعلیق مجازات به وجود نیامده است. این کمبود در عمل دادگاه‌ها را به صدور قرارهای ساده متمایل کرده و نوعاً در قضات اشتیاقی برای صدور تعلیق مراقبتی مشاهده نمی‌شود. متأسفانه رویه قضایی کشور ما با نهاد تعلیق مجازات، برخورد جدی ندارد و در عمل از آن صرفاً به عنوان یکی از روش‌های تخفیف مجازات، استفاده می‌کند و بر این اساس حساسیت لازم در قضات برای رعایت شرایط قانونی تعلیق، مشاهده نمی‌شود (محمد نسل، ۱۳۸۳: ص ۲۴۱).

د) نظام نیمه آزادی

زندان، مجازاتی پذیرفته‌شده و غیرقابل‌انکار در تمامی جهان است و نظریه‌های مختلف کیفری فواید و مضرات فراوانی را برای این مجازات برشمرده‌اند (بابایی، ۱۳۹۱: ص ۷۲). در همین خصوص نهادهای مدرن کیفری تلاش می‌کنند با اعمال اقداماتی نوین از مضرات مجازات زندان برای فرد، خانواده او و جامعه کاسته و بر نکات مثبت این مجازات برای اصلاح مجرم بیفزایند. نظام نیمه‌آزادی از این نهادهای نوین حقوق کیفری است که در آن با آزادی نیمه‌وقت مجرم موافقت شده است اما بر نظارت دائمی‌بر او تأکید می‌شود. این روش از یک سو، ثبات خانوادگی مجرم را حفظ کرده و اصل فردی بودن مجازات‌ها را تضمین می‌کند و از سوی دیگر اصلاح گام به گام مجرم را در دستور کار قرار می‌دهد. نظام نیمه‌آزادی یکی از نهادهایی است که قوانین کیفری نظام‌های مدرن حقوقی از آن برای تنبیه مجرمان استفاده کرده‌اند تا آنان کمترین فاصله را از اجتماع گرفته و بیشترین فایده را برای اجتماع داشته باشند.

نظام نیمه‌آزادی در معنای خاص خود به روشی برای محدودیت زندان گفته می‌شود که قانون جدید مجازات اسلامی نیز آن را پذیرفته است. در خصوص افرادی که به دلیل بدهی‌های مالی در زندان به سر می‌برند، باید گفت که اگر فرد به طور کامل در حبس باشد، دیگر فرصتی برای کسب درآمد و بازگرداندن بدهی نخواهد داشت، این در حالی است که با اعمال نظام نیمه‌آزادی، چنین فردی می‌تواند از زندان خارج شده و برای بازپس دادن طلب مردم تلاش کند. البته استفاده از چنین تخفیف‌هایی تنها باید برای مجرمانی باشد که حالت خطرناک نداشته و آزادی آنها برای جامعه مضر نباشد. چرا که مجرمان خطرآفرین مانند کسانی که مرتکب اعمالی از قبیل قتل یا شرارت یا سایر جرائم خطرآفرین شده‌اند، باید از مجرمانی که به دلیل بدهی‌های مالی یا جرایم سبک در زندان به سر می‌برند، جدا باشند همچنین کسانی که شرارت می‌کنند نباید از چنین تسهیلات قانونی استفاده کنند. در توضیح نظام نیمه‌آزادی باید گفت که بر اساس این نظام، کسی که محکوم به تحمل حبس در مدت مشخصی می‌شود، در این مدت نیمی از مجازاتش را متحمل می‌شود. به طور مثال، فرد محکوم شب‌ها در زندان به سر می‌برد و زمان مشخصی را در خارج از زندان می‌گذراند یا در روزهای تعطیل به زندان می‌رود (آنسل، ۱۳۹۱: ص ۹۹). در حقیقت، کسانی که به مجازات حبس محکوم می‌شوند، اما دارای شرایط خاصی هستند یا جامعه به آنها نیاز دارد یا اینکه دادگاه به آنها مطمئن است، مشمول نظام نیمه‌آزادی می‌شوند همچنین در مواردی که مجرم با دادگاه همکاری می‌کند یا در مواردی که دادگاه به این نتیجه می‌رسد که فرد مورد نظر نباید به طور کامل از جامعه حذف یا سابقه‌دار شود، برای فرد از نظام نیمه‌آزادی استفاده می‌کند. در این روش بزهکار در صورت سپردن تضمینات لازم از آزادی نسبی برخوردار می‌شود؛ به نحوی که در ساعات معینی می‌تواند برای انجام امور مشخصی مانند اشتغال، تحصیل، ملاقات با اعضای خانواده و سایر امور در اماکنی که از قبل مشخص شده است، حضور یافته و پس از اتمام ساعات معینه، بلافاصله به زندان برگردد. بدیهی است ساعات ورود و خروج وی در دفاتر مخصوص ثبت شده و حضور وی در اماکنی که با حکم دادگاه در نظر گرفته شده است، نیز توسط مسئولین اماکن مربوطه کنترل و به دادگاه گزارش می‌شود. فصل هفتم بخش دوم قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ نیز در دو ماده به تبیین نظام نیمه‌آزادی پرداخته است. ماده ۵۶ این قانون، نظام نیمه‌آزادی را شیوه‌ای دانسته که بر اساس آن محکوم می‌تواند در زمان اجرای حکم حبس، فعالیت‌های آموزشی، حرفه‌آموزی، درمانی و نظایر آن را در خارج از زندان انجام دهد. در این ماده نظارتی مستمر برای اجرای این شیوه در نظر گرفته شده و مقرر شده است که اجرای این فعالیت‌ها زیر نظر مراکز نیمه‌آزادی صورت گیرد که در سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی تأسیس می‌شود. ماده ۵۷ این قانون نیز محدوده تصمیم‌گیری قضات را برای حکم به نظام نیمه‌آزادی برای مجرمان مشخص کرده و محکومان قطعی به حبس‌های تعزیری درجه ۵ تا ۷ را مشروط به گذشت شاکی، سپردن تأمین مناسب، تعهد به انجام یک فعالیت شغلی، حرفه‌ای، آموزشی و حرفه‌آموزی، مشارکت در تداوم زندگی خانوادگی و درمان اعتیاد یا بیماری محکوم با رضایت وی، مشمول این نظام قرار داده است (میرزایی یزدی، ۱۳۹۹: ص ۲۷۰-۲۶۹).

ه) نظارت با سامانه‌های الکترونیکی

نظارت الکترونیکی به عنوان یک ضمانت اجرای مجازات جایگزین زندان به معنای «کنترل و نظارت بر اشخاص از طریق ابزار و وسایل الکترونیکی در محیط خارج از زندان» است. این شیوه نظارت، کاربردهای وسیعی در کنترل منابع انسانی در کارخانه‌ها و اداره‌ها و کنترل اجتماعی نظیر کنترل ترافیک یا حفاظت از اماکن و تأسیسات دارد. در دو دهه اخیر، نظارت الکترونیکی کاربردهایی هم در زمینه مبارزه با بزهکاری و کنترل بزهکاران پیدا کرده است (محمد نسل، ۱۳۸۴: ص ۱۲). به نحوی که از

نظارت الکترونیکی به منزله اختراع و ابداع برجسته کیفی پایان دهه ۱۹۸۰ یاد می‌شود، زیرا افزون بر استفاده از فناوری برای اصلاح و تربیت و کاهش هزینه‌های زندان، از زمان اجرای ابتدایی آن در پایان دهه ۱۹۸۰، نظارت الکترونیکی به صنعت بزرگی تبدیل شده است و هزاران مجرم هر روز از این رهگذر نظارت می‌شوند (آشوری، ۱۳۸۴: ج ۲، ص ۴۰۲).

هدف اصلی این برنامه، کاهش جمعیت زندان است ولی در کنار این هدف عمده، کاهش هزینه‌های نگهداری مجرمان و حفظ ارتباط اجتماعی آنها و حضور در کانون خانواده را نیز می‌توان به عنوان اهداف دیگر این جایگزین مجازات زندان قلمداد کرد. هر چند فشار عمومی برای حمایت از اجتماع در مقابل بزهکاران رو به افزایش است، ولی از طرف دیگر، کنترل بودجه عمومی در رابطه با اصلاح مجرمان نیز حائز اهمیت و قابل توجه است. یکی از ابزارهایی که می‌تواند دستیابی به این مهم، یعنی کنترل بودجه را مقدور سازد، استفاده از جایگزین‌های مجازات حبس است. در سه موردی که کاربرد عمده نظارت الکترونیکی مطرح می‌شود - یعنی کنترل محکومان به حبس‌های خانگی، کنترل محکومان آزاد شده از رهگذر تعلیق آزمایشی و کنترل متهمان - نظارت الکترونیکی می‌تواند آثار مخرب و زیان‌بار حبس‌های به ویژه کوتاه‌مدت را به حداقل ممکن کاهش دهد. نظارت الکترونیکی در مورد مجرمان غیرخشن اجرا می‌شود. بدین منظور، پیش از محکومیت شخص به اجرای این برنامه، مأمور تعلیق آزمایشی در مورد مناسب بودن شخص برای روش تعلیق همراه با نظارت الکترونیکی تصمیم‌گیری می‌نماید. اگر مجرم به علت ماهیت جرم، خطرناک ارزیابی شود، ابتدا زندانی می‌شود و سپس اگر خطری برای جامعه نداشته باشد، مشمول برنامه‌های نظارت الکترونیکی قرار می‌گیرد، پس حفظ امنیت جامعه در درجه اول اهمیت قرار دارد (تدین، ۱۳۸۷: ص ۶۱). هنگامی که شرایط اعمال نظارت الکترونیکی فراهم باشد، «قاضی اجرای مجازات‌ها، شیوه‌های اجرای آن را با قرار غیرقابل اعتراضی، برای مدت حداکثر چهار ماه، از تاریخی که محکومیت الزام‌الاجرا می‌شود، تعیین می‌کند. قاضی اجرای مجازات‌ها در موارد زیر باید از اعمال نظارت الکترونیکی خودداری کند: اگر شرایط اعمال مجازات از رهگذر نظارت الکترونیکی فراهم نباشد؛ اگر محکوم از ممنوعیت‌ها یا الزاماتی که به او تحمیل می‌شود، راضی نباشد؛ اگر دلیلی بر سوء رفتار وی وجود داشته باشد؛ اگر تغییر و اصلاح ضروری در شرایط اجرائی را رد کند؛ و اگر این موضوع را درخواست نماید؛ اگر شخصیت محکوم یا شیوه‌های موجود، این موضوع را توجیه کند، قاضی اجرای مجازات‌ها می‌تواند بر همان اساس، تدبیر نیمه‌آزادی یا استقرار خارج از زندان را جایگزین نظارت الکترونیکی نماید.» (تدین، ۱۳۸۵: ج ۵، ص ۴۴۶)

نظارت و کنترل بر اجرای این تدبیر، به شیوه‌ای است که اجازه می‌دهد حضور و غیاب محکوم از راه دور فقط در مکانی که توسط قاضی اجرای مجازات‌ها تعیین می‌شود، (کوشا، ۱۳۸۱، ص ۱۳۹) در یک دوره معین ردیابی شود. در اجرای این شیوه می‌توان شخص موردنظر را واداشت تا در تمام مدت اجرای نظارت الکترونیکی، دستگاه فرستنده را با خود حمل نماید. البته قانون‌گذار تأکید دارد که در اجرای این شیوه باید کرامت، تمامیت و زندگی خصوصی اشخاص رعایت شود (میرزایی یزدی، ۱۳۹۹، ص ۲۷۳).

بنابراین، موادی که در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به این امر اختصاص یافته است ماده ۶۲ می‌باشد که مقرر می‌دارد: «در جرائم تعزیری از درجه پنج تا هشت، دادگاه می‌تواند در صورت وجود شرایط مقرر در تعویق مراقبتی، محکوم به حبس را با رضایت وی در محدوده مکانی مشخص تحت نظارت سامانه (سیستم)‌های الکترونیکی قرار دهد.» در تبصره این ماده نیز آمده است: «دادگاه در صورت لزوم می‌تواند محکوم را تابع تدابیر نظارتی یا دستورهای ذکر شده در تعویق مراقبتی قرار دهد.»

نتیجه‌گیری

قانون مجازات اسلامی به عنوان یکی از مهم‌ترین قوانین ماهوی ایران در طی سه دهه انقلاب اسلامی، تحولات فراوانی را پشت سر گذاشته است. لذا، یکی از مهم‌ترین وجوه تمایز آن، نگاه جدید قانون‌گذار به حوزه مجازات‌ها است، به گونه‌ای که قانون جدید، در راستای کاهش هزینه‌های فردی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی که کیفر بر جامعه و افراد آن تحمیل می‌کند و نیز به منظور کاهش بار نظام کیفری و در جهت متنوع ساختن ضمانت اجرای جرایم، نهادهایی مانند: مجازات‌های جایگزین حبس، تعویق صدور حکم و نظام نیمه آزادی را به رسمیت شناخته است. بنابراین، در کیفرزدایی منظور این نیست که خاصیت جرم بودن فعل یا ترک فعل سلب شود، بلکه هدف موزون ساختن جرم و کیفر است، بدین معنی که در اکثر موارد از شدت مجازات کاسته می‌شود و یا خاصیت کیفری مجازات از آن سلب می‌شود. همانطور که در سیاست جنایی اسلام، برای مرتکب جرم و گناه مجازاتی پیش بینی شده است ولی در مواردی، به دنبال راه‌گزینی جهت عدم اعمال مجازات می‌باشد. به همین علت، کیفرزدایی بیش از جرم‌زدایی مورد توجه دست‌اندرکاران عدالت کیفری قرار گرفته است؛ زیرا با حفظ وصف مجرمانه برای رفتاری که تنها واکنش کیفری از آن زدوده شده است، محظورات کمتری از جرم‌زدایی دارد و بدین وسیله قانون‌گذار می‌تواند ضمانت اجرای کیفری را با مفاهیم و ارزش‌های نوین هماهنگ و منطبق سازد.

همچنین، در کشور ما نیز، در کمتر از یک دهه اخیر، این الگوی راهبردی کیفرزدایی به صورت آگاهانه در جهت کاهش بار نظام کیفری، در رویه قضایی، بخشنامه‌ها، قوانین برنامه سوم، چهارم و پنجم توسعه، سیاست‌های کلان قضایی از سوی مقام معظم رهبری و لویح پیشنهادی قوه قضائیه به مجلس شورای اسلامی، به وضوح ابتدا در سیاست جنایی قضایی و در مرحله بعد در سیاست جنایی تقنینی، مورد توجه و پذیرش واقع شده است.

منابع و مأخذ

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- آشوری، محمد، جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین، علوم جنایی، تهران، انتشارات سلسبیل، ۱۳۸۴.
- ۳- آنسل، مارک، اصول دفاع اجتماعی، ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، گنج‌دانش، ۱۳۹۱.
- ۴- ابراهیمی، شهرام، بازپروری عادلانه مجرمان، آموزه‌های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۳، ۱۳۹۱.
- ۵- انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، تهران، بی‌جا، ۱۳۸۶.
- ۶- امیران بخشایش، امیر، نقش کیفرزدایی و محکومیت‌زدایی قاعده در آ از دیدگاه فقه و حقوق موضوعه ایران، پایان نامه ارشد، دانشگاه تبریز، ۱۳۹۵.
- ۷- بکاریا، سزار، جرایم و مجازات‌ها، ترجمه محمد علی اردبیلی، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۸۰.
- ۸- بابایی، محمد علی، غلامی، میثم، مهم‌ترین جلوه‌های کیفرزدایی در قانون جدید مجازات اسلامی، پژوهش‌نامه اندیشه‌های حقوقی، سال اول، شماره ۳، ۱۳۹۱.
- ۹- پارسا، سیروس، رحمانی، مجید، ارزیابی رویکرد قانون‌گذار ایران به مقوله کیفرزدایی در قانون سال ۱۳۹۲، مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، دوره ۴، شماره ۱، ۱۳۹۷.

- ۱۰- پرادل، ژان، تاریخ اندیشه‌های کیفری، ترجمه علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۱.
- ۱۱- تدّین، عباس، «نظارت الکترونیکی: گامی به سوی جایگزین‌های زندان»، مجله حقوقی دادگستری، دوره جدید، شماره ۶۴، پاییز ۱۳۸۷.
- ۱۲- تدّین، عباس، قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، مترجم: پلی کیپی، معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضاییه، ۱۳۸۵.
- ۱۳- حبیب زاده، محمد، و دیگران، تورم کیفر عوامل و پیامدها، مجله مدرس علوم انسانی، شماره ۲۱، ۱۳۸۰.
- ۱۴- خوئی، ابوالقاسم، مبانی تکمله المنهاج، نجف، مطبعه الاداب، ۱۹۷۶م.
- ۱۵- داودی گرمروودی، هما، کیفرزدایی و حقوق موضوعه ایران، پایان‌نامه ارشد حقوق جزا، دانشگاه تهران، ۱۳۷۴.
- ۱۶- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، چاپ ششم، ۱۳۷۲.
- ۱۷- رایجیان اصلی، مهرداد، تبیین استراتژی عقب نشینی یا تحدید دامنه مداخله حقوق جزا و جایگاه آن در ایران، مجله حقوقی و قضایی دادگستری، شماره ۴۱، ۱۳۸۱.
- ۱۸- شاکری گلپایگانی، طوبی، فقه جزا و سیاست جنایی، فصلنامه کتاب زنان، بی تا.
- ۱۹- صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، تهران، طرح نو، ۱۳۸۲.
- ۲۰- صفری، محسن، زهروی، رضا، مطالعه تطبیقی مصادیقی از سیاست کیفرزدایی در اندیشه فیض کاشانی با قانون مجازات اسلامی در دو گستره ثبوتی و اثباتی، مجله پژوهش فقه و حقوق، ش ۲۹، ۱۳۹۱.
- ۲۱- عبیدی، اسماعیل، تعلیق مجازات در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، همایش بین‌المللی حقوق علوم سیاسی و معارف اسلامی، قرچک، ۱۳۹۲.
- ۲۲- عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، چاپ نوزدهم، تهران، موسسه انتشارات امیرکبیر، ش ۲۷، ۱۳۷۹.
- ۲۳- عمیدزنجانی، عباسعلی، قواعد فقه، بخش حقوق جزا، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی، ۱۳۸۷.
- ۲۴- عباسی کلیمانی، عاطفه، رنگچی تهرانی، عطیه، جلوه‌های کیفرزدایی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با تأکید بر جرائم خانوادگی، فصلنامه علمی فقه و حقوق خانواده، سال ۲۴، شماره ۷، ۱۳۹۸، ص ۱۸۷-۱۷۱.
- ۲۵- قربان نیا، ناصر، فلسفه مجازات، مجله نقد و نظر، شماره ۳-۴، ۱۳۷۷.
- ۲۶- قلعه قوند، محمد، جلوه‌های کیفرزدایی در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، پایان‌نامه ارشد، دانشگاه پیام نور کرج، ۱۳۹۵.
- ۲۷- کوشا، جعفر، جرائم علیه عدالت قضایی؛ تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۱.
- ۲۸- کاتوزیان، ناصر، فلسفه حقوق، تهران، انتشارات بهمنشیر، ۱۳۵۹.
- ۲۹- کاظمی، سجاد، تبلور قاعده انصاف در اصل فردی کردن مجازات‌ها، فصلنامه تعالی حقوق، شماره‌های ۱۶-۱۷، ۱۳۹۱.
- ۳۰- گسن، ریموند، جرم‌شناسی کاربردی، ترجمه مهدی کی‌نیا، تهران، انتشارات سلسبیل، ۱۳۷۰.
- ۳۱- گودرزی بروجردی، محمدرضا، مقدادی، لیلا، تاریخ تحولات زندان، تهران انتشارات مجد، ۱۳۸۴.
- ۳۲- میرزایی یزدی، زهرا، موسوی، اسماعیل، تأثیر قانون کاهش حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹ بر کیفرزدایی، فصلنامه بین‌المللی قانون‌یار، دوره چهارم، شماره ۱۶، ۱۳۹۹.

- ۳۳- محمد نسل، غلامرضا «بررسی کاربردی تعلیق مجازات در حقوق جزا و رویه محاکم ایران»، مطالعات حقوق خصوصی (حقوق)، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۴، تابستان ۱۳۸۳.
- ۳۴- محمد نسل، غلامرضا، نظارت الکترونیکی بر بزهکاران، فصلنامه دانش انتظامی، سال هفتم، شماره اول، ۱۳۸۴.
- ۳۵- محقق حلی، نجم الدین، شرائع الاسلام، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۸ق.
- ۳۶- مکارم شیرازی، ناصر، تعزیر و گسترده آن، قم، انتشارات مدرسه الامام علی بن ابی طالب^(ع)، ۱۴۲۵ق.
- ۳۷- محدث نوری، حسین، مستدرک الوسائل، بیروت، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، ۱۴۰۸ق.
- ۳۸- منتظری نجفآبادی، حسین علی، حکومت دینی و حقوق انسان، قم، ارغوان دانش، ۱۴۲۹ق.
- ۳۹- نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ هاشم بیگی، حمید، دانشنامه جرم‌شناسی، تهران، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، اول، ۱۳۷۷.
- ۴۰- ولیدی، محمد صالح، نقش تعدیل‌کننده تعلیق مراقبتی به عنوان کیفر جایگزین زندان، ماهنامه دادرسی، سال چهارم، شماره ۲۳، ص ۱۲-۷، ۱۳۷۹.

